

بررسی تمایزات انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها و نهضت‌های دنیا از منظر امام خمینی (ره)

امام انقلاب ایران را انقلاب سفید می‌دانست

تحلیل	رهبر معظم
محمدصادق عبدالحی	انقلاب در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان
مبارک ک	رمضان بیانیه گام دوم انقلاب را ترسیم می‌کلی از گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی خواندند و آن را شامل چهار نقطه اصلی دانستند. اولین نقطه‌ای که ایشان بدان اشاره کردند «عظمت حاد نه انقلاب» بود. از سوی دیگر در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران به انقلابی بزرگ و باشکوه تعبیر شده است. از جمله مواردی که می‌توان این عظمت و شکوه را با آن درک کرد، زمانی است که انقلاب اسلامی ایرانی را در کنار سایر انقلاب‌ها و نهضت‌های مطرح جهان بسنجیم و این منطقی بوده که هموار امامین انقلاب از آن در اثبات عظمت کار ملت ایران استفاده برده‌اند. آنچه پیش‌رو دارید برخی فرمایشات حضرت امام خمینی (ره) پیرامون تمایزات انقلاب ایران با انقلاب‌های جهان است.

■ نهضتی تماماً اسلامی

نهضت‌های سابق مانند نهضت مشروطه، جنبش جنگل، قیام پسیان، نهضت ملی شدن صنعت نفت و... نهضت‌هایی بود که یا سیاسی بود یا نیمه‌اسلامی. نهضت امروز تمام اسلامی است؛ نهضت امروز برای خداست. همه فریاد می‌زنند اسلام، همه فریاد می‌زنند جمهوری اسلام. این رمز است که ما را پیروز کرده و شما هم این رمز را حفظ کنید... رمز پیروزی امروز ما این است که اتکا به خدای تبارک و تعالی داشتیم. رمز پیروزی ما این است که جنبه فقط سیاسی نبود، فقط برای نفت و امثال اینها نبود؛ جنبه جنبه معنوی بود، اسلامی بود. جوانان ما از زوری شهادت می‌کردند، جوانان ما از شهادت استقبال می‌کردند، همانطور که در صدر اسلام سربازهای اسلام، شهادت را استقبال می‌کردند. سربازان ما از شهادت پاک ندارند برای اینکه مردن را فنا شدن نمی‌دانند. سربازان ما شهادت را سعادت می‌دانند و برای این سعادت کوشش می‌کنند. رمز پیروزی انکسال به قرآن و این شیوه مقدس بود که در عین حال که تاکت‌ها و مسلسل‌ها به روی آنها آتش می‌گشود آنها استقبال می‌کردند، خوف نداشتند.^(۱۳۳۰ قمری/۱۳۴۸ شمسی) این انقلاب بی نظیر است. یک جنبه‌ی سی و چند میلیونی با دست خالی، بدون ابزار جنگ، بدون اینکه نظمی‌گری داشته باشند، اینها برای خاطر توجهشان به اسلام، تو جهشان به دینان، حرکت کردند و نهضت کردند و چه کردند.^(۱۳۴۱ لیل/۱۳۴۵ شمس) مشیت بر تاکت غلبه کرد، مشیت بر مسلسل غلبه کرد، مشیت بر ابر قدرت غلبه کرد. این رمز را حفظ کنید؛ این رمز پیروزی را تا حفظ کنید پیروز هستید. ملت ما تا با خداست پیروز است. ملت ما تا پایگاه‌ها او اسلام است، پیروز است. پرچم قرآن تا پر فراز سر ملت ماست پیروز است. این رمز را حفظ کنید.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی)

■ منشأ انقلاب تحول درونی ملت بود

انقلابی که در ایران واقع شد، قیل از انقلاب مهم که کوئیده بود، یک انقلابی در باطن مردم حاصل شد. آن انقلاب گرایش اقشار ملت به اسلامی که تا این عصر خصوصاً در این سده‌های آخر به طاق نسیان سپرده شده بود و از اسلام جز یک آداب خشک که هیچ به حال دیگران ضرری نداشت و هیچ در فکر ملت‌ها نبودند، همین مانده بود. این ملت به خواست خدای تبارک و تعالی و با عنایات خاصه او،اول منتقلب شد در معنویات. جوان‌ها از آن حال سابق بر گشتند به یک حال اسلامی و فهمیدند که برای چه باید باشد و چه باید بکند، دنبال او آن انقلاب حاصل شد.اگر آن مسئله حاصل نشده بود، انقلاب اینجامه مثل یکی از انقلاب‌های دیگری بود که حاشان را می‌بینید و دیدید... آن چیزی که در اینجا حاصل شد و باید او را جزو معجزات ما حساب کنیم، همان انقلاب درونی این ملت بود.انقلاب درونی این ملت موجب شد که این انقلاب پیدا شد و همان انقلاب درونی آنها و شناخت آنها از اسلام و توجه آنها به خدای تبارک و تعالی، موجب شد که در تمام این دوره‌ای که ما در آن هستیم، از اوّلی که قیام شد و بعد به انقلاب مبدل شد و بعد پیروز شد تا الان، روز به روز می‌بینید که حضور ملت و تعهد ملت رو به افزایش است. این نهضت برای انقلاب است.برای انقلاب درونی است.انقلاب درونی جا بوده است، بسیاری از جاها بود، این انقلاب درونی است که پیدا شد در این کشور و در این مملکت و نیست الا به عنایات خدای تبارک و تعالی... و تا این معنا حاصل نشود انقلاب‌ها یک انقلاب‌های تحول پول قدرت از او به قدرت دیگر است و وضع برای ملت همانجور که بوده، می‌باشد.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی)

■ جنگ قدرت نبود

انقلاب فرانسه، شوروی، سایر انقلاباتی که در عالم واقع شده است، یک انقلاباتی بوده‌است و یک رژیم‌ها تغییر کردند به رژیم دیگر، حکومت تغییر کرده به حکومت دیگر، اما انگیزه انگیزه مادی بوده است، انگیزه دنیایی بوده است. آن وقتی که روسیه قیام می‌کند و رژیم سابق را از بین می‌برد، انگیزه‌اش این بوده است که این دنیا دست من باشد نه دست او. الا آن هم که همه رژیم‌های دنیا در سر کار هستند، اینها اعمالشان امیال دنیایی است. پاکت‌ون کما تأکل الأنعام؛ مثل همان حیواناتی که با هم جنگ می‌کنند و یکی دیگری را از بین می‌برد، انگیزه یک انگیزه طبیعی است، یک انگیزه دنیایی است. این دنیا را او می‌خواهد برای خودش حفظ کند، آن هم می‌خواهد برای خودش، قدرت را او برای خودش می‌خواهد، آن هم برای خودش می‌خواهد. اما انگیزه انبیا در انقلاب‌شان، در قیامشان دنیا نبوده است، اگر

دنیا را اصلاح کردند تبع بوده است، انگیزه الهی بوده است، برای خدا بوده و برای معارف الهی و برای بسط عدالت الهی در جامعه. آن انگیزه است که این انقلابات را از هم جدا می‌کند. ما این انقلابی که کردیم و ملت ما بلند شد و الا آن هم این ندابلند است. این انقلاب برای اسلام بوده است نه برای کشور، نه برای ملت، نه برای به دست آوردن یک حکومت؛ برای اینکه اسلام سلیقه‌های کج داخلی و داخل اسلامی نجات بدهد. این انگیزه، انگیزه‌ای است که اگر در جوان‌های ما ملاحظه بفرمایید، در عموم ملت ملاحظه بفرمایید،البته استثنا دارد، در همه جا استثنا هست، در زمان رسول‌الله هم استثنا بود، همیشه این استثناها هست، اما وقتی که وجهه عمومی مردم را در این حرکت‌هایی که دارند در این شور و شوقی که دارند رو به مرگ می‌روند یا شور و شوق، از هر کدام برسید که تو چرا داری می‌روی به جبهه، می‌گوید: برای خدا، برای اسلام، برای خدا، برای امر خداست. اما اگر فرض کنید که از یک سرباز روسی پرسند که تو برای جبهه می‌روی چه بکنی؟ او می‌گوید: می‌خواهم این کشور را به دست بیاورم، می‌خواهم قدرت خودم را توسعه بدهم.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی)

■ انقلابی به دست خدا و ملت

انقلاب‌هایی که در دنیا واقع شده یا پس از این واقع می‌شود یا از طریق ملت‌ها بوده است یا از طریق حکومت‌ها که به نحو کودتا یک انقلابی انجام می‌دانند، اکثر انقلابات کودتایی بوده است. آن انقلاب‌ها هم که از قتل مبل بوده است شاید کم انقلابی پیدا بشود که به هدایت احزاب و دستجات معین واقع نشده باشد. شما اگر برگردید در تمام انقلاباتی که واقع شده است، نخواهید پیدا کرد انقلابی که این دو خاصیت را داشته باشد: یکی اینکه از ملت واقع شده باشد بدون دخالت دیگران و دیگری اینکه مکتبی باشد و آن هم یک مکتب الهی. در همه انقلاباتی که در دنیا واقع شده است، مثل انقلاب ایران پیدا نخواهید کرد.انقلاب ایران یک جهت اسلامی داشت و حالا هم دارد و آن اینکه، سراسر ایران که مسلمان هستند- مگر نسادری- اینها به همان ایده اسلامی قیام کردند... اینطور نبود که یک حکومت طاغوتی را دربارند و طرفدار یک حکومت طاغوتی باشند، یا طرفدار یک حزب سیاسی، هیچ، ابتدا این مسائل نبود و این انقلاب تبع ایده اسلامی بود... همه می‌گفتند ما اسلام را می‌خواهیم، همه اجتماع داشتند در کلمه اسلام و جمهوری اسلامی. و هیچ یک از گروه‌های دیگر چه سیاسی و چه غیرسیاسی هیچ دخالتی در این نهضت نداشت و اینکه به طور معجزه‌سا پیشرفت کرد همین قضیه اسلامی بودن بود... لذا هیچ حزبی، هیچ گروهی، هیچ شخصی حق ندارد که بگوید این را من ایجاد کردم، ما ایجاد کردیم؛ این را ملت درست کرد و این را خدا درست کرد. معجزه‌ای بود که به اراده خدای تبارک و تعالی، تحقق پیدا کرد و تا این جهت الهی و خدایی است این ملت دیگر آسیب‌پذیر نیست^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی)

خاطر همان که ملت، انقلاب را از خودش می‌دانست؛ نه یک انقلابی که به دست شرق واقع بشود یا به دست غرب واقع بشود یا به دست حزبی از احزاب واقع بشود یا گروهی از گروه‌ها یک انقلابی بود که خود ملت انجام داد و قیام کرد و خود ملت هم از خودش دانست این انقلاب را، همان طوری که اسلام را از خودش می‌داند و این اسباب این شد که در سرتاسر کشور خود ملت در همه حوایج اقدام کرد و حاضر در صحنه بود؛ی تفاوت نبود، اینطور نبود که رها کنند؛ بعد از اینکه انقلاب کردند، رها کنند و بروند سراغ کارشان، رها نکردند، در صحنه

ما به مجردی که انقلاب واقع شد و پیروز شدیم تمام راه‌ها باز بود بر دنیا. و تمام احزاب آزاد بودند و تمام جمعیت‌ها آزاد بودند. و تا پنج ماه تمام این امور آزاد بود. و ایران هم مشغول زندگی خودش بود و نظمش برقرار بود. و بی‌نظمی آن طوری که در مثل انقلاب اکتبر واقع شد، مثل انقلاب فرانسه واقع شد، این قتل و غارت‌ها نبود در ایران

حاضر هستند و همین حضور است که موجب این است که آسیب‌نبیند این انقلاب.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی)

■ آرام‌ترین انقلاب دنیا

در تمام انقلاباتی که در دنیا پیدا شده هیچ کدام بهتر از ایران نبوده، دنبال ستر انقلابات، یک میلیون یک میلیون و نیم آدم کشته می‌شدند... دو میلیون حبسی داشتند، در کشور را می‌بستند به همه جا.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی) در انقلاب شوروی چقدر آدم کشته شده است و سایر انقلابات.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی) الا هم هر جا که شما ملاحظه کنید که یک انقلابی واقع شده است و یک کودتایی واقع شده، یک چیزی واقع شده، در کشورشان را به خارج بستند، همه فرودگاه‌ها را ممنوع کردند، تمام مطبوعات را دفن کردند که نباید منتشر بشود و برای مردم اختناق پیش آوردند. اختناق فوق آن اختناق‌هایی که سابق بوده. و گاهی در بعضی‌شان به مجردی که این پیروز شده، قتل عام ایجاد کردند. شروع کردند به کشتن مردم. هر که اختتام می‌دادند که یک چیزی باشد می‌کشتند. نه اینکه یک کسی را، یک شهر را قتل عام می‌کردند. و تمام جمعیت‌ها آزاد بودند. و تا پنج ماه تمام این امور انقلاب ما از باب اینکه اسلامی بود، از باب اینکه از ملت بود، انقلابی نبود که یک قدرتی به یک قدرت غلبه کند، یعنی یک قدرت نظامی به یک قدرت نظامی باشد، کودتایی شده باشد، این حرف‌ها نبود. متن نهضت از خود مردم بود. جوشید از خود بین مردم بین زن و مرد و انقلاب هم اسلامی بود. اسلام اینها را وادار کرد که یک همچو انقلابی بکنند. همچو انقلاب اسلامی که از متن ملت جوشند، دنبالش دیگر این مسائل کم است، هست، اما کم است. و لهذا دیدید که دنبال این انقلاب، تمام راه‌ها و همه جا‌ها هم باز بود. هیچ زاید جایی را جلوش نگرفتند. تمام روزنامه‌ها و احزاب آزاد شد.

بعضی از انقلاب‌ها، کشتاری که بعد از انقلاب واقع شده است بیشتر از یک میلیون، گاهی به دو میلیون رسیدیده است. برای اینکه انقلاب در آنجاها یک انقلاب اخلاقی نبوده است، یک انقلاب اسلامی نبوده است و علاوه بر این به این طوری که از قشر ملت و از متن جامعه ما انقلاب برخاسته در جاهای دیگر اینطور‌ها نبوده است، گاهی بوده‌ام‌انه به اینطور، از این جهت انقلاب ما سالم‌ترین انقلابی است که واقع شده است

آزاد آزاد، و کشتار نسبت به مردم هیچ نبود در کر، که آن طوری که آنجا بساط درست می‌کردند نبود.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی) انقلاب ایران، همان روز انقلاب، همه گروه‌ها را فرصت داد؛ همه روزنامه‌ها را اجازه داد؛ همه اجتماعات را اجازه داد فعالیت کردند چنانچه همه فعالیت کردند تا آنکه به ملت ثابت شد که بعضی از جناح‌ها مخالف مسیر ملت هستند و به ضد انقلاب عمل می‌کنند و توطئه‌ها دارند. از آنها بعضیشان جلوگیری شد و مشغول بررسی هستند... از این جهت انقلاب ایران آ، یک انقلاب بسیار آرامی بود است.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی) بله، آن‌هایی که کشتار کرده بودند گرفتند بعضی‌شان را محاکمه کردند و بعد از محاکمه به جزای خودشان فرستادند. اما اینطور نبود که همینطور درو کنند مردم را، یک میلیون جمعیت را بکشند. این حرف‌ها نبود در کار. و اینطور مسائل در عین حالی که در ایران نبوده است، و باید گفت آرام‌ترین انقلاباتی که در دنیا واقع شده در ایران واقع شده.انقلابات دیگر با یک سال دو سال و سه سال اینها درست نمی‌شد. جنگ باید بشود. اینقدر خونریزی، چه، چه، یک سال، دو سال جنگ بشود تا بعد یک قدرتی بر قدرت دیگر پیروز بشود... الان شما می‌بینید که در افغانستان چند سال است که همه مسائل هست و حالا هم معلوم نیست حتی کم نشود تا بعد یک کودتایی واقع شده، یک چیزی واقع شده، در کشورشان را به خارج بستند، همه فرودگاه‌ها را ممنوع کردند، تمام مطبوعات را دفن کردند که نباید منتشر بشود و برای مردم اختناق پیش آوردند. اختناق فوق آن اختناق‌هایی که سابق بوده. و گاهی در بعضی‌شان به مجردی که این پیروز شده، قتل عام ایجاد کردند. شروع کردند به کشتن مردم. هر که اختتام می‌دادند که یک چیزی باشد می‌کشتند. نه اینکه یک کسی را، یک شهر را قتل عام می‌کردند. و تمام جمعیت‌ها آزاد بودند. و تا پنج ماه تمام این امور انقلاب ما از باب اینکه اسلامی بود، از باب اینکه از ملت بود، انقلابی نبود که یک قدرتی به یک قدرت غلبه کند، یعنی یک قدرت نظامی به یک قدرت نظامی باشد، کودتایی شده باشد، این حرف‌ها نبود. متن نهضت از خود مردم بود. جوشید از خود بین مردم بین زن و مرد و انقلاب هم اسلامی بود. اسلام اینها را وادار کرد که یک همچو انقلابی بکنند. دنبالش دیگر این مسائل کم است، هست، اما کم است. و لهذا دیدید که دنبال این انقلاب، تمام راه‌ها و همه جا‌ها هم باز بود. هیچ زاید جایی را جلوش نگرفتند. تمام روزنامه‌ها و احزاب آزاد شد.

باید ماقایسه کنیم انقلاب اسلامی ایران را با انقلاب‌هایی که در دنیا واقع شده است. ببینیم که آیا با انقلاب‌هایی که در دنیا واقع شده است، به مجردی که انقلاب شد و پیروز شد، نظم همه چیزها فوراً برقرار شد، یا اینکه اینطور نبوده است؟ ما به مجردی که انقلاب واقع شد و پیروز شدیم تمام راه‌ها باز بود بر دنیا. و تمام احزاب آزاد بودند و تمام جمعیت‌ها آزاد بودند. و تا پنج ماه تمام این امور آزاد بود. و ایران هم مشغول زندگی خودش بود و نظمش برقرار بود. و بی‌نظمی آن طوری که در مثل انقلاب اکتبر واقع شد، مثل انقلاب فرانسه واقع شد، این قتل و غارت‌ها نبود در ایران. و الا آن هم ایران نظمش محفوظ است و خود مردم حفظ می‌کنند نظم را. و این فرقی است که بعد از انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر است. انقلاب اسلامی چون مردم مسلمان هستند، بدون اینکه یک ارتباطی بین حکومتی باشد که بخواد یک نظمی را ایجاد بکنند، مردم نظم را ایجاد کردند. به مجردی که انقلاب واقع شد و اوضاع آشفته شد، خود مردم اوضاع را به دست گرفتند و نظم را ایجاد کردند.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی) یک نهضت اسلامی که از خود توده‌ها و خود ملت برخاسته همین‌هایی است که در ایران واقع شد؛ یکدفعه سرتاسر ایران بعد از اینکه انقلاب به پیروزی تا حدودی رسید، سرتاسر کشور بدون اینکه یک نظمی در کار باشد و یک اشخاصی بخواهند مردم را آگاه کنند، خودشان برخاستند و سازمان‌هایی درست کردند و گروه‌های درست کردند؛ سرتاسر ایران خود ملت دادگاه در دست کرد و در هر شهری و در هر ناحیه‌ای یک ملای قاضی شد و چند نفری هم دادستان و امثال ذلک، بدون اینکه از مرکز یک تعیینی شده باشد و سرتاسر کشور نهادهای مختلف پیداشد، جوشید.^(۲۷ خرداد ۱۳۵۹)

■ کم‌آشفته‌ترین انقلاب دنیا

من مطمئن از اینکه گرفتاری زیاد است. و مطمئن از اینکه در همه جالان آشفته‌ی‌هایی هست و البته این طور آشفته‌ی‌ها دنبال یک انقلاب بزرگ هست، قابل اجتناب نیست. در همه انقلابات دنیا آشفته‌ی‌ها هست، و بحمدالله آشفته‌ی‌هایی که در ایران پس از

انقلاب هست خیلی زیاد نیست؛ چشمگیر نیست؛ موجب خوف نیست، لکن هست و اسباب زحمت است. خیلی انقلاب‌ها را اگر ملاحظه کرده باشید، بعد از گذشتن سال‌های طولانی، باز هم آرامش در مملکت‌ها نیست.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی) همه کارهایی که در مملکت‌های دیگر بعد از ۳۰ سال، ۴۰ سال، ۵۰ سال که انقلاب کردند نتوانستند درست کنند. قانون اساسی نتوانستند درست کنند. رئیس‌جمهور تعیین کرد، هم قانون اساسی تعیین کرد، هم رأی به جمهوری اسلامی داد و هم مجلسی- عرض کنم- کبرگان درست کرد و هم قانون نوشت و همه کارها را کرد. در انتخابات هم می‌بینید کرده است... این کارهایی است که در بعضی جاهای دیگر بعد از ۲۰ سال یا ۱۰ سال پیروزی باز قانون ندارند. همین طوری دور هم می‌نشینند یک چیزی در دست می‌کنند.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی) اما آشفته‌گی- عرض می‌کنیم که- اینطور امور، این لازمه هر رژیمی است که تبدیل به رژیم دیگر می‌شود. مگر فرانسه که ادعا می‌کند که متقدم‌ترین مثل ممالک است، بعد از اینکه در آنجا انقلاب شد، مثل انقلاب ما به این سفیدی و به این خوبی بسوز؟^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی) انقلاب ایران بحمدالله تمام انقلاب‌هایی که در دنیا واقع شده است بهتر است. و ضایعات داشت؛ اما ضایعات نسبت به انقلابات دیگر بسیار کم بوده است.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی) و ما آشفته‌گی که نگرانی داشته باشد، ابتدا نداریم، ما از همه انقلاب‌هایی که در عالم شده است، الان کم‌آشفته‌ترین هستیم.^(۱۳۴۰ قمری/۱۳۵۸ شمسی)

■ انقلاب ایران اخلاقی‌ترین، سالم‌ترین و آزادترین بود

بعضی از انقلاب‌ها، کشتاری که بعد از انقلاب واقع شده است بیشتر از یک میلیون، گاهی به دو میلیون رسیده است. برای اینکه انقلاب در آنجاها یک انقلاب اخلاقی نبوده است، یک انقلاب اسلامی نبوده است و علاوه بر این طوری که از قشر ملت و از متن جامعه ما انقلاب برخاسته در جاهای دیگر اینطور‌ها نبوده است، گاهی بوده‌ام‌انه به اینطور، از این جهت انقلاب ما سالم‌ترین انقلابی است که واقع شده است. بعد از انقلاب فقط آن اشخاصی که در رژیم سابق بودند، اینها هم مردم مسلمان هستند، بدون اینکه یک ارتباطی بین حکومتی باشد که بخواد یک نظمی را ایجاد بکنند، مردم نظم را ایجاد کردند. به مجردی که انقلاب واقع شد و اوضاع آشفته شد، خود مردم اوضاع را به دست گرفتند و نظم را ایجاد کردند.^(۲۷ خرداد ۱۳۵۹) یک نهضت اسلامی که از خود توده‌ها و خود ملت برخاسته همین‌هایی است که در ایران واقع شد؛ یکدفعه سرتاسر ایران بعد از اینکه انقلاب به پیروزی تا حدودی رسید، سرتاسر کشور بدون اینکه یک نظمی در کار باشد و یک اشخاصی بخواهند مردم را آگاه کنند، خودشان برخاستند و سازمان‌هایی درست کردند و گروه‌های درست کردند؛ سرتاسر ایران خود ملت دادگاه در دست کرد و در هر شهری و در هر ناحیه‌ای یک ملای قاضی شد و چند نفری هم دادستان و امثال ذلک، بدون اینکه از مرکز یک تعیینی شده باشد و سرتاسر کشور نهادهای مختلف پیداشد، جوشید.^(۲۷ خرداد ۱۳۵۹)

باید ماقایسه کنیم انقلاب اسلامی ایران را با انقلاب‌هایی که در دنیا واقع شده است. ببینیم که آیا با انقلاب‌هایی که در دنیا واقع شده است، به مجردی که انقلاب شد و پیروز شد، نظم همه چیزها فوراً برقرار شد، یا اینکه اینطور نبوده است؟ ما به مجردی که انقلاب واقع شد و پیروز شدیم تمام راه‌ها باز بود بر دنیا. و تمام احزاب آزاد بودند و تمام جمعیت‌ها آزاد بودند. و تا پنج ماه تمام این امور آزاد بود. و ایران هم مشغول زندگی خودش بود و نظمش برقرار بود. و بی‌نظمی آن طوری که در مثل انقلاب اکتبر واقع شد، مثل انقلاب فرانسه واقع شد، این قتل و غارت‌ها نبود در ایران. و الا آن هم ایران نظمش محفوظ است و خود مردم حفظ می‌کنند نظم را. و این فرقی است که بعد از انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر است. انقلاب اسلامی چون مردم مسلمان هستند، بدون اینکه یک ارتباطی بین حکومتی باشد که بخواد یک نظمی را ایجاد بکنند، مردم نظم را ایجاد کردند. به مجردی که انقلاب واقع شد و اوضاع آشفته شد، خود مردم اوضاع را به دست گرفتند و نظم را ایجاد کردند.^(۲۷ خرداد ۱۳۵۹)

■ گفت‌وگو



لزوم اصلاح برداشتی غلط از مکانیسم تحقق منافع ملی در گام دوم انقلاب

پس از طرح ایده «وحدت جریانات سیاسی حول منافع ملی» از سوی دکتر بیژن عبدالکریمی و تأکید ایشان بر لزوم تجدید نظر برخی جریانات روشنفکری در مخالفت با ساختار سیاسی، سوالاتی را از ایشان پرسیدیم تا مجالی فراهم شود حول منافع ملی و ابعاد آن گفت‌وگو و دلایل مخالفت جریان روشنفکری را بااین نظر واکاوی کنیم.

از دکتر عبدالکریمی پرسیدیم: «در ایده شما برای وحدت حول منافع ملی، چه کسی تعیین‌کننده منافع ملی است؟ اگر ملت تعیین‌کننده است، چه مکانیسمی برای آن پیشنهاد می‌کنید؟ اگر بهترین مکانیسم، انتخابات است، در مواردی که امری فوری پیش‌امد می‌کند و فرصتی برای برگزاری انتخابات یا گفت‌وگو ملی نیست یا مواردی که محرمانه و نظامی است و قابل طرح در سطح عمومی نیست، چه راه حلی وجود دارد؟»

دکتر عبدالکریمی در فابلی صوتی به سؤالات ما پاسخ دادند که مشروح آن تقدیم می‌گردد:

در ذهنیت اکثر قریب به اتفاق روشنفکران و جوانان متفکر ما، صندوق رأی یا اجماع از تعیین‌کننده منافع ملی است. در حالی که منافع ملی حاصل جمع آرای مردم نیست، یعنی چنین نیست که مردم جمع شوند و تصمیم بگیرند منافع ملی چه باشد. منافع ملی صرف یک اندیشه نیست بلکه یک نحوه تحقق حیات اجتماعی است؛ بدین معنا که در یک روند تاریخی در جوامع مدرن ساختاری اقتصادی و اجتماعی، مشخصاً نظام سرمایه‌داری شکل گرفت که در این ساختار افراد به دنبال منافع فردی خودشان حرکت می‌کنند و در مجموع حاصل جمع تلاش افراد برای منافع فردی خویش تحقق بخش منافع ملی است. در واقع منافع ملی، نوعی ساختار و نظام اجتماعی است که فرد در بستر حرکت خویش برای تأمین منافع فردی، به‌طور طبیعی منافع جمعی را محقق می‌سازد. برای مثال وقتی تولیدکننده‌ای کالایش را صادر می‌کند نه اینکه به دنبال تحقق منافع ملی باشد، بلکه کالایش را صادر می‌کند تا منافع فردی خود را محقق سازد اما در همین حال منایبی را برای کشور و در راستای منافع ملی ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر منافع ملی حاصل جمع کنش افراد جامعه و نه حاصل جمع ایده‌های آنان است. روشنفکر ایرانی تصویری کند منافع ملی یعنی جمع آرا و ایده‌های مردم و با این پیشفرض این سوال را مطرح می‌کند که چه کسی باید منافع ملی را تعیین کند و چه کسانی که قدرت در دست‌ها مانیز به شیف‌ت پارادایمی در اندیشه ساختاری که بدان اشاره شد وجود نداشته باشد، هر جریانی بر اساس ایده‌ها و آرای خودش فکر می‌کند منافع ملی تنها در پرتوی اندیشه او محقق خواهد شد و هر کسی با اندیشه او مخالفت ورزد، در جهت هجوم می‌راند که منصف ملی گام برمی‌دارد. از سکه، ماشین و منافع ملی و تأمین آن را منتسب به آدم‌هایی کنیم و هر جریانی فکر می‌کند که اگر آدم‌ها و شخصیت‌های مورد پذیرش او به روی کار آیند منافع ملی محقق خواهد شد. با توجه به آنچه بیان کردیم تا منافع ملی را نه در جمع ایده‌ها بلکه در حاصل جمع کنش‌های واقعی افراد در زندگی طبیعی‌شان دنبال کنیم. اکنون نمودان افراز این ساختار موجب شده است در بسیاری از مواقع کنش‌های افراد جامعه و دوندگی‌های آنها برای تأمین منافع فردی زندگی‌شان آگاهانه یا ناآگاهانه و بیشتر ناآگاهانه در تضاد با منافع ملی باشد. مثلاً وقتی ارزش دلار بالا می‌رود و پول ملی سقوط می‌کند همه به سوی بازار ارز، سکه، ماشین و زمین هجوم می‌بریم تا ارزش پول خود را حفظ کنیم. این کار خیانت به منافع ملی است و سبب سقوط هر چه بیشتر پول ملی می‌گردد اما هیچ کس از نظر اخلاقی محکوم نیست؛ چون هیچ نمودان افراز از عده‌ای قلیل، بنایت خیانت به منافع ملی به چهارراه استانبول یا سایت ثبت‌نام خودرو نمی‌رویم، ما فقط منافع زندگی شخصی‌مان خسارت ببینند. قصد خیانت نداریم اما خود را آگاه و بی‌خود غیر عمدی خیانت کرده‌در جهت تضعیف منافع ملی گام برمی‌داریم، یعنی کنش ما به‌طور طبیعی جهت خیانت به منافع ملی است. حتی برای مثال من اسناد دانشگاه نیز که می‌دانم تبدیل ربال به دلار و یورو خیانت به کشور است، این کار را می‌کنم، چرا؟ چون چاره دیگری برای حفظ ارزش پول خود در جهت صیانت از زندگی شخصی و خانوادگی خود ندارم.

در خصوص تحقق منافع ملی نیز چنین است. یعنی چنین نیست که مردم تصمیم بگیرند منافع ملی چیست و منافع ملی را تأمین کنند بلکه ما باید به ساختاری اجتماعی دست پیدا کنیم که وقتی مردم، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، در بستر این ساختار برای خودشان و در راستای منافع فردی منافع ملی را در سطح اندیشه یا قدرت سیاسی جست‌وجو می‌کنند، حرکت اندیشه یا قدرت را به منافع ملی و جمعی را محقق سازد. به همین جهت من معتقدم بعد از گذشت ۴۰ سال از انقلاب، باید به ساختاری ببندیشیم که مردم در آن به‌طور طبیعی که زندگی می‌کنند، منافع ملی را محقق کنند. اگر این ساختار ایجاد نشد، هر دولت و حکومتی هم که سر کار بیاید و حتی اگر به خواست برانداز با نظام سیاسی نیز تغییر کند باز عده‌ای هستند که معتقدند منافع ملی محقق نمی‌شود و باز آنها در جایگاه مخالف می‌نشینند، چراکه منافع ملی را در سطح اندیشه یا قدرت سیاسی جست‌وجو کرده و چون وضعیت را با ایده‌های ذهنی خودشان منطبق نمی‌بینند، معتقدند منافع ملی در خطر است. بدین ترتیب ما با دور باطل و پیوسته تعارض دولت-ملت روبه‌رویم، آنچنان که از زمان شروطن تا کنون روبه‌رو بوده‌ایم و گاهی در جهت اصلاح ساختارها به پیش نپناهیده‌ایم.